**5شنبه 28/1/1404-18شوال 1446-17آوریل 2025 –درس 32 تفسیر مدیریتی قرآن کریم** دفاع صحیح از اسناد بالادستی و تاریخی متعاضد سازمان

[سوره الأنعام (6): آيه 91]

وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلى‏ بَشَرٍ مِنْ شَيْ‏ءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذِي جاءَ بِهِ مُوسى‏ نُوراً وَ هُدىً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (91)

خدا را چنان كه بايد، نشناخته‏اند، زيرا گفتند: خداوند چيزى بر بشرى نازل نكرده است. بگو: چه كسى كتابى كه موسى آورد، بر او نازل كرده بود؟ كتابى كه نور و براى هدايت مردم بود و شما آن را بصورت كتابهايى در آورده، آشكار مى‏سازيد و قسمت عمده آن را مخفى مى‏داريد. چيزى به شما آموخته شد كه نه شما مى‏دانستيد و نه پدرانتان. بگو: خداوند (تورات را فرستاده بود) سپس آنها را واگذار كه در عناد و خيره سرى خود سرگرمند.

قرائت‏

تجعلونه قراطيس تبدونها و تخفون: ابن كثير و ابو عمرو، همه اين فعلها را بيا، و ديگران به تاء خوانده‏اند. قرائت ياء به خاطر اين است كه قبلا «ما قدروا اللَّه» به صيغه غايب بوده و قرائت تاء بخاطر اين است كه «علمتم ما لم تعلموا» به صيغه خطاب است.

اعراب‏

حق قدره مفعول مطلق‏ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً: صفت قراطيس يا حال از ضمير كتاب است.

يلعبون: جواب فعل امر نيست تا مثل‏ «ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا» مجزوم شود. اين فعل حال است.

شان نزول‏

مردى يهودى بنام مالك بن ضيف با پيامبر اسلام خصومتى داشت. پيامبر فرمود:

ترا بخدايى كه تورات را بر موسى نازل كرده است سوگند مى‏دهم. آيا در تورات نخوانده‏اى كه خداوند ملاى چاق را دشمن مى‏دارد؟! او كه مردى چاق بود، خشمگين شده، گفت: خداوند وحى خود را بر بشرى نازل نكرده است! يهوديان به او گفتند: واى بر تو! حتى بر موسى هم نازل نكرده است! سعيد بن جبير گويد: اين آيه به همين مناسبت نازل شد.

سدّى گويد: نام آن مرد فنحاص بن عازورا بود.

ابن عباس گويد: يهوديان به پيامبر خدا عرض كردند: خداوند بر تو كتابى نازل كرده است؟ فرمود: آرى. گفتند: خداوند كتابى از آسمان نفرستاده است. از اينروآيه نازل شد.

در روايت ديگر از ابن عباس نقل شده است كه اين آيه درباره كافرانى نازل شده است كه منكر قدرت خدا بودند. طبق اين آيه هر كس اقرار كند كه خداوند بر همه چيز قادر است، خدا را شناخته است.

مجاهد گويد: درباره مشركين قريش نازل شده است.

مقصود

قبلا نام پيامبران را بميان آورد. اكنون روى سخن با منكران نبوت است.

مى‏فرمايد:

وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلى‏ بَشَرٍ مِنْ شَيْ‏ءٍ:

آنان حق معرفت خدا را ادا نكردند و او را آن چنان كه بايد و شايد، تعظيم و توصيف نكردند، زيرا گفتند: خداوند پيامبرى نفرستاده و بر بشرى وحى خود را نازل نكرده است. تا اينكه مقتضاى حكمت و مصلحت، اين است كه خداوند پيامبر بفرستد. معجزات آشكارى هم ثابت كرده‏اند كه خداوند پيامبران بسيارى را برگزيده است. سپس به پيامبر خود دستور مى‏دهد:

قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذِي جاءَ بِهِ مُوسى‏: به اينها بگو: چه كسى تورات را بر موسى نازل كرده است؟ نظر به اينكه اعتراض كننده يهودى بود، دستور داد كه پيامبر، كتاب آسمانى تورات را كه حتى به اعتقاد يهوديان بر موسى كه بشرى بوده است، نازل شده، به ياد آنها آورد و بى‏اساس بودن اعتراض را اثبات كند.

نُوراً وَ هُدىً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ‏: حضرت محمد با حضرت موسى چه فرقى دارد؟! موسى داراى كتابى بود كه همچون نورى وسيله هدايت مردم براه راست بود. اكنون شما يهوديان كتاب روشنى بخش وى را در كتابها و صحيفه‏هاى متفرق ثبت و ضبط كرده، بدان استناد مى‏جوييد. قرآن نيز نظير تورات و برنامه‏هاى آن وسيله هدايت است.ابو على فارسى گويد: يعنى تورات را در كاغذهايى قرار داده و نگهدارى مى‏كنيد.

تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً: تازه مطالب تورات را با امانت و تقوى بازگو نميكنيد.

قسمتى از آن را آشكار و قسمت عمده آن را كه در وصف پيامبر اسلام و بشارت بظهور اوست، پوشيده ميداريد.

وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ‏: مجاهد گويد: اين جمله خطاب به مسلمانان است كه آنها را بياد نعمتى كه به آنها از طريق دانش قرآن بخشيده، مى‏اندازد و مى‏گويد اين دانش را نه شما داشتيد و نه پدرانتان. برخى گويند:

خطاب به يهود است. يعنى تورات به شما تعليم شد، اما شما آن را تضييع كرديد و از آن بهره‏اى نبرديد.

قُلِ اللَّهُ‏: اى محمد، به اينها بگو: خداوند تورات و قرآن را نازل كرد. اين جواب را بايد آنها بدهند. لكن خود خداوند جواب مى‏دهد، زيرا در موردى كه طرف مخالف، جوابى غير از اين ندارد و ناچار است كه به آن اعتراف كند، مانعى ندارد كه از جانب آنها جواب داده شود.

ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ‏: سپس آنها را در عناد و خيره سرى و باطل و سرگرمى خود ترك كن. مقصود اين نيست كه پيامبر آنها را دعوت بدين نكند.

بلكه منظور تهديد آنهاست. گويى مى‏فرمايد: آنها را واگذار كه سرانجام به بدبختى خود پى مى‏برند. [[1]](#footnote-1)

تفسیر مدیریتی

دفاع صحیح از اسناد بالادستی و تاریخی متعاضد سازمان

خدا را به عنوان تنها مالک و مدبر هستی اگر میشناختند قدرت تدبیر و اداره عالمین را اگر بدرستی درک میکردند متوجه میشدند که این خدا برای اداره جهان بشریت کتاب ومجری کتاب انزال وارسال میکند زیرا خودش اراده دارد که امور را از طریق اسباب به جریان بیندازد مانند قانون جامع و مجری صالح . قانونی واحد برای تمامی ادوار به گونه اقتضایی و تدریجی وباشرائط زمان و مکان و نیز رهبرانی را ارسال میکند که یک دیگر را تصدیق و تبشیر میکنند و نفی نمیکنند که یک راهبرد را دنبال میکنند متعاضد و ممتد هستند دارای ریلی ازلی و ابدی هستند متکامل و متعاضد . عده ای مانند یهود که دارای خصومت با پیامبران بویژه خاتم آنها هستند روی عداوت و کینه اقدام به نفی این تواصل و تعاضد بین کتب ورسل میکنند و این یعنی در حقیقت نشناختن قدر خدا به شکل حقیقی وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ و این قدر ناشناسی را به صراحت ابراز ونفی نزول وحی بر بشر مینمایند یعنی صورت مساله را پاک میکنند زیرا اگر نزول وحی را بپذیرند باید به لوازم و الزامات آنهم ملتزم شوند و از منافع خود بگذرند زیرا محتوای کتب آسمانی این تواصل را اثبات میکند ورهبری فعلی را تایید و تعریف مینماید و واجد صلاحیت و لازم التبیعیه و مفترض الطاعه قرار میدهد در نتیجه اصل انزال وحی را بر بشر زمینی انکار میکنند مثلا اگر بپذیرند تورات را و نپذیرند قرآن را در تورات قرآن وپیامبر خاتم مورد تایید است لذا حتی نزول تورات را هم نفی میکنند یا محتوای آن را کتمان میکنند به گونه ای که این پیامبر تایید نشود و قرآنش هم رسمیت نداشته باشد و میگویند اصلا وحیی نازل نشده است و قانونی فرا دستی غیر از قوانین بشری و خود ساخته نداریم ***إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلى‏ بَشَرٍ مِنْ شَيْ‏ءٍ*** خدا طبق سنت وسیره خود به پیامبرش دستور میدهد که پاسخ آنها را آنگونه که خدا میخواهد بدهد به عنوان سخنگوی او  ***قُلْ*** بگو اسناد قبلی و کتب قبلی که تا به حال آنها را تلقی به قبول میکردید را چه کسی انزال کرده است مثل توراتی که بر موسی ع که تا به حال پیامبری او را اظهار و ابراز میکردید چه کسی نازل کرده است ؟ ***مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذِي جاءَ بِهِ مُوسى‏*** توراتی که مثل سایر کتب آسمانی قبل و بعد آن حاوی نور و هدایت بوده است من هم که رهبری فعلی هستم آن را نور و هدایت میدانم و معرفی میکنم چه کسی آن را فرستاده است که قانون مدیریت وتدبیر زندگی بشریت باشد؟ ***نُوراً وَ هُدىً لِلنَّاسِ*** در حالی که شما به عنوان خصم شخص پیامبر خاتم یعنی مدیر صالح و فعلی بشر آن را که حاوی تایید کتاب و رهبر خاتم است به شکل قراطیس در آرشیو های متفرقه و به شکل غیر منظم و در آوره اید که هرکدام را خواستید و با منافعتان تعارض نداشت بیرون بیاورید و مورد استناد قرار دهید و الا پنهان نمایید ***تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً*** این بازی با اسناد حق تماما یا به خاطر خصومت با رهبر صالح فعلی است و یا به علت منافعتان که به خطر افتاده است و تعالیمی را آموخته شدتماما یا به خاطر خصومت با رهبر صالح فعلی است و یا به علت منافعتان که به خطر افتاده است هرکدام را خواستیدید که خودتان و مدیران و اسلافتان راهی برای تعلم غیر از تورات نداشتید حالا آمده اید واصل تورات را بلکه اصل وحی را منکر میشوید ***وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ*** واقعا آن کتاب را که پاره پاره کرده این و به شکل قراطیس در آورده اید چه کسی نازل کرده بود یا است ؟ ساکت میشوند زیرا جوابی ندارند هر چه بگویند به ضررشان است پس ای پیامبر ما خودت از سوی ما به آنان جواب راستین را بده و بگو الله که قدر او را نمیشناسید وانکار میکنند نازل کننده وحی و تورات موسی است ***قُلِ اللَّهُ*** حال که پاسخ صحیح را به آنها دادی آنها را رها کن و واگذار به حال خودشان بگذار در بازی های خود سرگرم باشند و فرو روند وقتی کسی به دنده لج افتاد دیگر محاجه با او بی تاثیر است باید به حال خود واباطیل و اراجیف خود وانهاده شوند تا شاید به خود آیند یا هلاک شوند ***ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ*** (91)

نتیجه : در سازمانها هم ممکن است افرادی که با مدیر فعلی که صالح است خصومتی داشته باشند به هر دلیلی . برای نفی او نفی اسناد بالادستی را که قبلا قبول داشته اند بکنند و اصلا زیربار استناد به این اسناد نروند و بلکه آنها را تفسیر به رای کنند یا اینکه گزینه ای برخورد کنند بعضی از اسناد را که منافع آنان را ضربه نمیزند روکنند و استناد نمایند وبرخی دیگر را پنهان کنند و دچار قرطاس بازی شوند .مدیران عالی باید مدیر فعلی را حمایت و هدایت کنند واو را سخنگوی خود قرار دهند که به تمامی اسناد استناد کند برای حقانیت خود و مدیران خود وسازمان خود و اگر نپذیرفتند و لجاجت نمودند از آنها اعراض شود تا مدتی در بازیهای خود سرگرم باشند تا به خود آیند و حق ناشناسی را به حق شناسی بدل کنند مخصوصا اسنادی که به درستی تنظیم شده در چهار چوب اصول و راهبردهای محکم سازمانی تدوین گشته اند (والله العالم)

برای مطالعه

[سوره الأنعام (6): آيه 92]

وَ هذا كِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى‏ وَ مَنْ حَوْلَها وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلى‏ صَلاتِهِمْ يُحافِظُونَ (92)

و اين است كتاب مباركى كه از آسمان نازل كرده‏ايم و تصديق كننده كتابهاى آسمانى پيشين است، تا مردم مكه و اطراف مكه را به آن بترسانى. آنان كه به آخرت ايمان دارند، بقرآن ايمان مى‏آورند و مراقب اوقات و افعال نماز خود هستند.

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)